خبر

سینماهای ایران «عطرآلود» شد

با آغاز اکران فیلم سینمایی «عطرآلود» از دیروز در سینماهای سراسر کشور، فیلمی که دارای پیام‌های انسانی و اثری توجه‌دهنده به واقعیت‌های زندگی امروز است، روی پرده رفته است. هادی مقدم‌دوست که پس از هشت سال از آخرین اثرش دوباره به سینما بازگشته، بیش از آن که کارگردانی صاحب‌نام باشد، به‌عنوان نویسنده‌ای شاخص شناخته می‌شود و عطرآلود سومین ساخته او پس از «سر به مهر» و «هیهات» محسوب می‌شود؛ با این تفاوت که مقدم‌دوست این بار در نگارش فیلمنامه دخالتی نداشته و فیلمنامه‌ای از حسین حسنی را جلوی دوربین برده است. اکران این اثر برای اولین‌بار در چهل‌ویکمین جشنواره فیلم فجر رقم خورد و شش نامزدی و یک سیمرغ بلورین را برای این اثر به همراه داشت. بازیگران اصلی این فیلم، هدی زین‌العابدین و مصطفی زمانی هستند. زین‌العابدین آخرین‌بار در سال ۱۴۰۲ با فیلم سینمایی «دسته دختران» میزبان مخاطبان خود در سینماها شد و این بار با فیلمی که برای بازی در آن نامزد سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول زن در جشنواره فجر شده، به سینما بازگشته است. عطرآلود دومین اثر سینمایی مصطفی زمانی محسوب می‌شود که برایش نامزدی سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول مرد را به همراه داشت.



برای دیدن تیزر فیلم کیوآرکد را اسکن کنید



نگاهی به فیلم «تگزاس ۳» سیدمسعود اطیابی

هدف: فقط خندیدن

امیرحسین حیدری
گروه فرهنگ و هنر

فیلم «تگزاس ۳» جدیدترین نسخه از مجموعه «تگزاس» و آخرین اثر سیدمسعود اطیابی است که به‌تازگی اکران خود را شروع کرده. تگزاس ۳ از آن دست کمدی‌هایی است که نمی‌خواهد مفهومی را به شما حقنه کند یا دارای پیامی برای مخاطب خود باشد. تگزاس ۳ ساخته شده تا بخنداند و توانسته است در تنها ماموریت خود موفق ظاهر شود که گواه آن فروش و رکوردزنی این فیلم در فروش روز نخست خود است. درواقع وضعیتی که تگزاس ۳ در سینمای امروز ایران دارد، مصداق همان ضرب‌المثل معروف است که می‌گوید در شهر کورها یک چشم پادشاه است!

جای خالی مجموعه‌های سینمایی

مجموعه‌های سینمایی یکی از انواع رایج فیلمسازی در جهان به حساب می‌آید و از چند جهت هم برای فیلمسازان و سرمایه‌گذاران، هم برای کارشناسان فرهنگی و هم برای مخاطبان سینما جالب توجه است. مجموعه‌ها از این جهت برای فیلمسازان و سرمایه‌گذاران جذابیت دارد که کارگردان مانند یک فیلمنامه اورجینال دغدغه ارتباط برقرارکردن مخاطب با داستان و به‌خصوص کاراکترهای خود را ندارد و دستش برای عملی‌کردن ایده‌های مختلف و جدید باز است. روی فیلمی که فروش آن تا حد قابل توجه تضمین شده است، مورد مطلوبی برای سرمایه‌گذاری است. کارشناسان فرهنگی از این بابت این‌گونه عناوین را می‌پسندند که مجموعه‌های سینمایی به‌واسطه این‌که نقطه‌ای مشترک میان نسل‌های مختلف می‌تواند آغازی برای ارتباط نسل‌ها با یکدیگر قرار بگیرد. در نهایت مخاطبان سینما بدیهی است وقتی هوس می‌کنند فیلمی تماشا کنند انتخاب‌شان جدیدترین نسخه از عنوانی است که پیش از این دیده‌اند تا فیلم جدیدی که اطلاعات کمتری از آن دارند. در سینمای ایران موفق‌ترین نمونه این مجموعه‌های سینمایی را می‌توان مجموعه «کلاه‌قرمزی» دانست و مسأله پر کردن شکاف نسلی که پیش از این ذکر شد نیز در این مجموعه کاملاً مشهود بود و زمانی که این مجموعه در تلویزیون و سینما پخش می‌شود طیف متنوعی از مخاطبان با سلایق و سنین مختلف را وادار به تماشا می‌کرد.

فیلمی برای خنداندن

جدیدترین نمونه از این مجموعه‌های سینمایی، تگزاس است که سومین نسخه آن به‌تازگی اکران شده. تگزاس ۳ درواقع ادامه‌ای بر دومین نسخه خود است و داستان فیلم بعد از اتفاقات نسخه دوم شروع می‌شود، زمانی که برادر آلیس را گروگان گرفته‌اند و خانواده ساسان به‌خاطر مجسمه‌های پله ممنوع‌الخروج شده‌اند و آنها برای رفع ممنوع‌الخروجی دست به کارهایی می‌زنند که آبروی ایران! به دست دو کاراکتر اصلی فیلم می‌افتد.

به‌طورکلی کمدی از نظر هدف به سه دسته تقسیم می‌شود. کمدی‌ای که قصدش فقط خنداندن است، کمدی‌ای که سعی دارد در قالب طنز از جامعه خود انتقاد کند و طنزی که دو مورد قبلی را با هم ترکیب کرده و به مخاطب ارائه می‌دهد که نمونه‌های اعلای کمدی را می‌توان در این دسته پیدا کرد.

تگزاس ۳ از آن دست فیلم‌هایی است که در دسته اول قرار می‌گیرد، می‌داند هدفش چیست و برای رسیدن به این هدف با هر چیزی شوخی می‌کند، حتی با ضعف‌های داستانی خودش. داستان تگزاس ۳ داستان قوی‌ای نیست و کم ضعف ندارد اما در فیلم سکانسی را می‌بینیم که عملا مانند فیلم‌های اکشن هندی شده است و همان موقع هم یک آهنگ هندی پخش و عملا ضعف فیلم به یکی از موقعیت‌های کمدی آن تبدیل می‌شود. نکته مهم دیگر فیلم تگزاس ۳ شوخی این فیلم با یک پلیس است که سیدجواد هاشمی نقش آن را ایفا می‌کند. در نگاه اول شاید این شوخی‌ها خیلی چیز مهمی نباشد، اما در کشور همیشه نسبت به تصویری که در سینما از پلیس نشان داده می‌شود سختگیری‌هایی وجود دارد، سختگیری‌هایی نظیر این‌که پلیس نباید خود مجرم باشد یا در شوخی‌هایی که با کاراکتر یک پلیس می‌شود باید ملاحظاتی رعایت شود که دست نویسنده و کارگردان را می‌بندد. ولی در فیلم تگزاس می‌بینیم که یکی از پایه‌های کمدی داستان همین شخصیت پلیس و دستیار دست‌وپاچلفتی آن است که موقعیت‌های طنز سالم و کلاسیکی را می‌سازد که یادآور کاراکتر فرانسوی سربازرس کلوزوی معروف است. یکی از ویژگی‌های فیلم تگزاس ۳ این است که برخلاف کمدی‌های چند سال اخیر که از فرط بی‌مایگی به شوخی‌های جنسی روی می‌آورند و مخاطب ممکن است از روی شرم لبخندی بزند کاراکترهایش آن‌قدر دلیل برای خنداندن دارد که از این دست شوخی‌ها در این فیلم دیده نمی‌شود. هرچند که پایه اصلی داستان که حول محور مواد مخدر می‌چرخد و ناسزاهایی که در فیلم وجود دارد باعث می‌شود فیلم خیلی مناسب خانواده نباشد. اما ذکر این نکته ضروری است که نبود شوخی‌های جنسی در فیلم به این معنی نیست که با کمدی فاخری روبه‌رو هستیم.

در فیلم تگزاس ۳ یکی از پایه‌های کمدی داستان شخصیت پلیس و دستیار دست‌وپاچلفتی اوست که موقعیت‌های طنز سالم و کلاسیکی می‌سازد

فقر شدید داستان

داستان عنصر فراموش‌شده این روزهای سینماست و این فقدان منحصر به سینمای ایران نیست. امروزه آن‌قدر تکنولوژی پیشرفت کرده است که سایه سنگینش بر داستان‌پردازی آثار سینمایی و تلویزیونی انکارنشدنی است. اگر می‌خواهید نمودهای بیرونی نبود داستان را ببینید کافی است کمی دقت کنید تا متوجه شوید که حتی در سطح جهانی، آثاری در میان عموم مخاطبان بازخورد بیشتر می‌گیرد که تکنولوژی بیشتر و به‌تبع آن خرج بالاتری کرده.

در معرفی این آثار می‌بینیم که بیشتر روی ترین‌های اثر مثل پرخرج‌ترین، بزرگ‌ترین و ... بیشتر از هر چیز دیگر تاکید می‌شود. سینمای ایران هم به همین درد دچار است و چون در حوزه تکنولوژی هم محدودیت‌های زیادی دارد از قافله سینمای جهان عقب می‌ماند. داستان همیشه اصلی‌ترین جزء یک اثر سینمایی فارغ از هر ژانری است اما در کمدی اوضاع کمی فرق می‌کند. در این ژانر علاوه بر داستان، شخصیت اصلی یا اصطلاحا کمدین هم از اهمیت بالایی برخوردار است و کم نیستند فیلم‌های کمدی‌ای که در داستان ضعیف اما به خاطر حضور یک کمدین با اقبال خوبی مواجه شده است. در سینمای ایران هم می‌بینیم که فقدان داستان همیشه با حضور کمدین‌ها پر می‌شود. اگر به آثار سینمایی چند سال اخیر اطیابی هم نگاهی بیندازیم از این قاعده مستثنا نیست و پژمان جمشیدی مخرج مشترک اکثر فیلم‌های این کارگردان است که سهم چشمگیری در موفقیت فیلم‌های این کارگردان در گیشه داشته است. هرچند گاهی اوقات هم پیش می‌آید که یک فیلم آن‌قدر داستان ندارد که حتی از دست کمدین هم کاری برنمی‌آید مانند فیلم «بخارست» دیگر اثر اطیابی.

مواد لازم برای خلق یک کمدی

عامل اصلی شکل‌گیری یک عنوان سینمایی به شخصیت‌پردازی آن برمی‌گردد. تگزاس در اول راه خود توانست شخصیت‌هایی ساخته و پرداخته کند که مخاطب آن را بپذیرد و با آنها همراه شود. البته ناگفته نماند که این به آن معنی نیست که فیلم از نظر شخصیت‌پردازی موفق بوده، بلکه اطیابی با کمک فرمول موفق زوج جمشیدی-درخشانی و ساختن همان تصویر آشنایی که این دو در فیلم «خوب، بد جلف» داشتند توانست توجه مخاطب را جلب کند. چند سالی است که پژمان جمشیدی توانسته در عرصه بازیگری مخصوصا ژانر کمدی خوش بدرخشد و آغاز این راه برای او همراه بود با همبازی‌شدنش با سام درخشانی. زوجی که بازی‌های کمدی‌شان مکمل یکدیگر است و توانسته‌اند در فیلم‌های مختلف به‌اصطلاح شیمی میان خود را حفظ کنند، هرچند که به وادی تکرار هم افتاده‌اند.

این دو در تگزاس ۳ نیز همچنان همان زوج پرتنش دنیای سینما هستند که موقعیت‌های طنز خود را در تنش‌هایی که میان‌شان پیش می‌آید به مخاطب نشان می‌دهند و تمام فیلم بر پایه همین نوع کمدی بزن‌وبکوب پیش می‌رود. از دیگر بازیگران فیلم که نقش پررنگی در ایجاد فضاهای کمدی در فیلم دارد، مهدی هاشمی است که می‌توان گفت بستر تمام کمدی‌های فیلم بر عهده کاراکتر اوست.



برش

بهتر از هیچی!

خلاصه این‌که حتما شنیده‌اید که کاچی به از هیچی؛ این همان وضعیتی است که فیلم تگزاس ۳ در سینمای ایران دارد. تگزاس ۳ در کل از استانداردهای یک فیلم کمدی فاصله‌های زیادی دارد تگزاس توانسته بدون این‌که در آمار مخاطبان خود ریزش محسوسی داشته باشد و به اندازه سه فیلم سینمایی بتواند مخاطب را همراه خود کند. همچنین تگزاس ۳ موفق شده بدون این‌که دست به دامان شوخی‌های رکیک و جنسی شود، موقعیت‌هایی را خلق کند که اصطلاحا سالن سینما منفجر شود، مخصوصا سکانس‌های سیدجواد هاشمی که جزو سکانس‌های سالم از نظر نوع کمدی در سال‌های اخیر به حساب می‌آید.

نقد روز

سیدمحمد سلیمانی | منتقد سینما

نگاهی به فیلم «به‌عبارتی» ساخته محمدمهدی کتیراچی

فرصت‌ها و ظرافت‌های کمدی سیاه

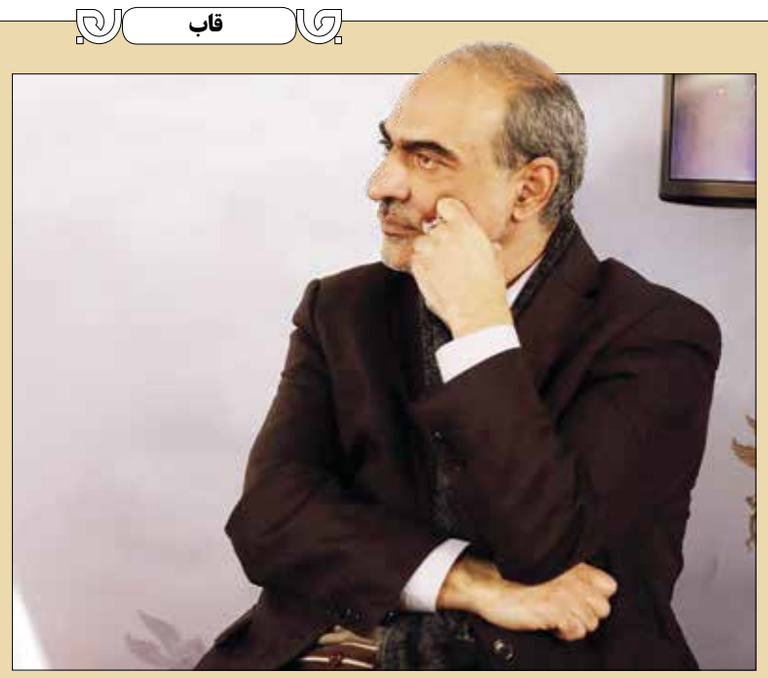


سینمای تجربی در ایران با ایجاد امکان اکران محدود فیلم‌های تجربی در سینماها وارد دوران تازه‌ای شده است؛ دورانی که امکان تجربه در سینمای کمدی و فانتزی هم به عنوان فرصتی برای ارتقای این نوع سینما فراهم است. در شرایطی که کمدی‌های ضعیف و سطحی این روزهای سینمای ایران، هم به مخاطبان‌شان و هم به سیاست‌گذاران آدرس غلط می‌دهد، «به عبارتی» سعی می‌کند با استفاده از موقعیت جدید به وجود آمده برای تجربه در سینمای کمدی و فانتزی، با بهره‌گیری از شیوه‌های شناخته‌شده در عرصه کمدی سیاه نگاه جدیدی به ساختار روایی و معرفی و پرداخت شخصیت‌ها در قالب اثری با بن‌مایه‌های نقد اجتماعی داشته باشد.

کاوه، جوان تنهایی که به‌واسطه تصویر تیره و تاری که از خدمت سربازی در ذهن دارد، سعی می‌کند به هر قیمتی برای پرداخت هزینه معافیت، پول کافی تهیه کند. او به ناگزیر از شهرستان راهی تهران می‌شود و موانع بسیاری را بر سر راه خود می‌یابد.

نگاه آبزوردی فیلمساز به زندگی کاوه که همزمان با تلاش برای تهیه پول، یک شکست عشقی سنگین را هم تحمل می‌کند، خواه‌ناخواه گونه‌ای از طنز سیاه را وارد دنیای اثر کرده که از همان ابتدا و به‌ویژه از جایی که کاوه قدم به کلانشهر تهران می‌گذارد، خودش را به مخاطب عرضه می‌کند. به همین دلیل هم نوع نگاه شخصیت اصلی یا همان کاوه به آدم‌های اطرافش و به‌ویژه خانواده عمویش که درواقع به آنجا پناه آورده با سبک و ساختار واقع‌گرای رایج، نزدیکی چندانی ندارد و می‌توان آن را در قالب نوعی تجربه در به‌کارگیری قابلیت‌های طنز سیاه در سینمای اجتماعی پذیرفت با این توضیح که حتی با نگاه تجربی به این سینما هم می‌توان و باید برای انتخاب شیوه روایی و ایجاد فرم متناسب با مضمون تعریف قابل تبیین و پذیرفتنی داشت. اتفاقا در سینمای اجتماعی این روزهای سینمای ایران، ردپای کمدی سیاه و آبزورد به‌وضوح مشاهده می‌شود و در چنین شرایطی فیلم تجربی «به عبارتی» سعی کرده در عین حال که شخصیت کاوه را به عنوان جوان ساده‌دل شهرستانی در برخورد با واقعیت‌های تلخ زندگی در تهران و تعامل با مشکلاتش معرفی می‌کند، بازتعریف ویژه‌ای هم از به‌کارگیری طنز و کمدی در بستری از تلخ‌کامی و سرخوردگی شخصیت اصلی ارائه کند. این تعریف تازه تا جایی که فیلمساز به مفاهیم کنایی برخوردهای کاوه با برخی از افرادی که در قالب مسافر تاکسی با او همکلام می‌شوند نپرداخته، قابل تامل است اما از جایی که کاوه در قالب راننده سعی می‌کند با سوءاستفاده از چند موتیف آشنای روابط اجتماعی، کسب درآمد کند، ساختار کلی فیلم از کمدی سیاه فاصله می‌گیرد و اثر دچار نوعی تشتت روایی و فرمی می‌شود. این سکته روایی اگرچه خیلی زود با ماجرای گروه فیلمسازی و درگیر شدن کاوه با یک اتفاق تلخ و تعیین‌کننده جبران می‌شود ولی در عین حال نشان می‌دهد که تجربه در سینمای کمدی-اجتماعی در عین سهل و ممتنع بودن، ظرافت‌ها و حساسیت‌هایی هم دارد که در صورت جدی گرفته نشدن، می‌تواند تجربه در این «گونه» را با موانعی مواجه کند. تنهایی کاوه و روابط شکننده‌اش با کژال به بسیاری از رفتارها و واکنش‌های عجیبش در برخورد با آدم‌های اطرافش معنا می‌بخشد. تخیل و تصور فانتزی کاوه سر میز غذای خاک‌گرفته در فضای وهم‌آلود در حالی که گویی همزادش را هنگام خوردن اغلب المان‌های آشنای فیلم از جمله قالیچه، موی بلند کاوه و... می‌بینیم، جایگاه خودش را پیدا می‌کند. ولی همه اینها وقتی به سکانس‌های مسافرکشی کاوه پیوند می‌خورد، ساختار فرمی اثر به سوی فیلمی گزارشی از مسائل روز جامعه سوق پیدا می‌کند که می‌توانست در همان قالب تجربی پیش از ورود کاوه به عرصه مسافرکشی و تبعات آن، مفاهیم مورد نظر فیلمساز را بیان کند.

قاب



بزرگداشت احمدرضا معتمدی در موزه سینما

در ادامه برنامه بزرگداشت‌های موزه سینما، طی مراسم ویژه‌ای در روز ۲۲ خرداد ساعت ۱۷ بزرگداشت احمدرضا معتمدی بنیان‌گذار فلسفه فیلم در ایران برگزار می‌شود. همچنین همزمان با بزرگداشت احمدرضا معتمدی گنجینه این کارگردان نیز در تالارهای موزه سینما افتتاح می‌شود و تعدادی از هنرمندان و سینماگران درباره ویژگی‌های شخصیتی و آثار وی سخنرانی می‌کنند. معتمدی ساخت آثاری همچون «دیوانه‌ای از قفس پرید»، «راه‌رفتن روی سیم»، «قاعده بازی»، «آلزایمر»، «سوءتفاهم»، «زشت و زیبا» و... را در کارنامه هنری خود دارد. گفتنی است حضور در این مراسم برای علاقه‌مندان سینما آزاد است.

اکران



سینماها فردا تا عصر تعطیل است

به گفته محمدرضا صابری، سخنگوی انجمن سینماداران کشور، سینماهای سراسر ایران به مناسبت شهادت امام محمدتقی(ع) نهمین امام شیعیان از صبح فردا جمعه ۱۸ خرداد تا عصر ساعت ۱۸ تعطیل است.

اکران فیلم‌های سینمایی پس از دو روز تعطیلی ۱۴ و ۱۵ خرداد مجدد از سر گرفته شده و سینماها تا سئانس آخر امروز فعال است و از عصر جمعه فعالیت خود را از سر می‌گیرد.

دو فیلم «خجالت نکش۲» و «عطرآلود» به‌تازگی راهی چرخه اکران شده است.

در حال حاضر فیلم‌های «تمساح خونی» به کارگردانی جواد عزتی، «مست عشق» به کارگردانی حسن فتحی، «آسمان غرب» به کارگردانی محمد عسگری، «آپاراتچی» به کارگردانی قربانعلی طاهرفر، «ایلیا، جست‌وجوی قهرمان» به کارگردانی سیدعلی موسوی‌نژاد، «بیبدن» به کارگردانی مرتضی علیزاده، «پرویزخان» به کارگردانی علی ثقفی، «تاوان» به کارگردانی رامین سهراب، «تگزاس ۳» به کارگردانی مسعود اطیابی، «سال گربه» به کارگردانی مصطفی تقی‌زاده، «قلهک» به کارگردانی مصطفی شایسته در سینماهای کشور در حال اکران است.

دیدگاه



فیلمی درباره اهمیت و تأثیر زبان بر زندگی

محمود نوری، کارگردان فیلم سینمایی «روز مات» که این روزها اکران شده است، با اشاره به این‌که دغدغه اصلی فیلمش پرداختن به مقوله زبان است، تأکید کرد که این فیلم برای مخاطبش هیچ نسخه‌ای تجویز نمی‌کند. نوری در گفت‌وگو با ایلنا، درباره مفهوم ضدمهاجرت بودن فیلم گفت: تلاش من این بود که فضایی را ترسیم کنم که آدم‌ها با افکار مختلف بتوانند با آن مواجه شوند و اصلا نمی‌خواستم درباره این صحبت کنم که آموختن زبان خارجی مفید است یا خیر یا درباره مهاجرت بخواهم نظری دهم. این فیلم فقط به بعدی از ماجرای مهاجرت می‌پردازد که کمتر کسی به آن توجه دارد. روز مات نشان می‌دهد در مهاجرت فقط این موضوع نیست که ما به‌دلیل بد بودن شرایط به جای بهتری برویم، در واقع بحث فقط رفتن از این کشور به کشوری دیگر نیست، بلکه در این فیلم ما شاهد هستیم بحث یادگیری یک زبان خارجی و حرف‌زدن با آن، تغییراتی در درون انسان ایجاد می‌کند که بخشی از اتفاقات انکارناپذیر مهاجرت است و نمی‌توان آن را نادیده گرفت.